

قانون مادی

این روزها خیلی‌ها در سراسر دنیا مشغول برگزاری سالگرد جشن تولد نلسون ماندلا هستند و این سالگرد هم بهانه‌ای است برای بازخوانی آنچه ماندلا در زندگی و منش سیاسی‌اش انجام داد...

این روزها خیلی‌ها در سراسر دنیا مشغول برگزاری سالگرد جشن تولد نلسون ماندلا هستند و این سالگرد هم بهانه‌ای است برای بازخوانی آنچه ماندلا در زندگی و منش سیاسی‌اش انجام داد.

مردی که در بحبوحه نگاه منفعت‌آمیز به سیاست، تحولی بس بزرگ در تفکر و اندیشه سیاسی به وجود آورد.

ظلم بزرگی بر ماندلا و شیفتگان اوست اگر او را تنها بزرگ مرد مبارزه با آپارتاید و براندازی نژادپرستی در آفریقای جنوبی بدانیم و جشن میلادش را بهانه‌ای قرار دهیم برای بزرگداشت زندانیان سیاسی. خیلی‌ها زندان رفته‌اند. خیلی‌ها از ماندلا هم بیشتر اما به راستی چه شد که ماندلا اینگونه بزرگ مانده است و دیگران نه.

ماندلا در همه زندگی‌اش همان جایی بود که باید می‌بود. روزی رزمنده، روزی فدایی، روزی دیپلمات و سیاستمداری کارکشته و در آخر هم ریش‌سفیدی که همه از او به نیکی یاد کنند.

ماهاتما گاندی تاثیر شگرفی بر افکار سیاسی ماندلا گذاشت. ماندلا چون از زندان برون آمد، به همان مردمی که از آنان برخاسته بود پیوست و به جای انتقام‌جویی از دشمنانش فریاد بخشش آنان را سر داد.

این بر خلاف عرف همه دنیا بود چه آنکه زندانیان گذشته وقتی به قدرتی رسیدند آنقدر ظلم و ستم کردند که دیگر حتی زندانی بودن هم ارزش نیست. کم نیستند زندانیانی که پس از آزادی از زندان خود به بازجویانی سرسخت‌تر از بازجویان خود تبدیل شده‌اند.

زندانیانی که در ایام زندان کینه به دل می‌گیرند و پس از آزادی به اشتباه همان راه را می‌روند که روزگاری منعش می‌کردند. آنان‌گاه ضربه‌هایی به جنبش‌های مردمی که خود از آن برخاسته‌اند می‌زنند که صد دشمن نیز اگر می‌بود نمی‌توانست آن کند.

ماندلا اینگونه نبود که مانده است و می‌ماند تا به ابد. وی وقتی از زندان به در آمد، بیل و کلنگی برداشت و آوای سازندگی کشورش را خواند و مردمش را نیز به دنبال خود کشید. ماندلا در تاریخ مانده است؛

چرا که کسی بود که گذشته را به امید فردایی بهتر برای مردمانش به فراموشی سپرد. در نهایت همین هم بود که بساط آپارتاید را بدون کشت و کشتار برچید. کم نبودند و نیستند آنان که از دل نهضت‌های آزادیبخش برخاستند و فریاد دمکراسی‌خواهی سر دادند و خود پس از قدرت گرفتن به بزرگ‌ترین دشمن آزادی تبدیل شدند. داستان و ماجرای قهرمانانی که بعدها ضدقهرمان شدند غم‌انگیز است.

جنگ جهانی دوم میلیون‌ها نفر را در سراسر دنیا کشت. قهرمان منفی‌اش هم کسی نبود جز آدولف هیتلر صدر اعظم آلمان نازی و عجیب آنکه همین هیتلر آلمانی‌ها را به دوران شکوه پیش از جنگ اول جهانی برگردانده بود و شهرهایش را مدرن کرده بود و در نهایت از چاله‌ای به در آورده و به چاهی انداخته بود. موسولینی و استالین هم اینگونه بودند. همه یادگار جنبش‌های ظلم‌ستیز بودند.

طالبانی که این روزها دوباره روزهای شکوه خود را در افزایش قربانیان بمب‌گذاری‌ها و عملیات‌های انتحاری و کشتار سربازان ناتو جست‌وجو می‌کنند هم همه قهرمانان مبارزه با شوروی بودند.

ماندلا در دوره زندان خود اینها را دیده و شنیده بود که پس از زندان اندازه خود دانست و نرفت آن راهی را که پیش از او خیلی‌ها رفته بودند و به صخره خورده بودند.

ماندلا می‌دانست و بدان هم عمل کرد که زندانی رژیم ستم بودن برای آنان که ظلم ستیزند اگرچه ارزش است اما به‌خودی خود کافی نیست و مهم‌تر از زندان رفتن عملکرد پس از زندان است. ماندلا وقتی از زندان بیرون آمد یک زندانی سیاسی بود و بس. امروز اما نام ماندلا نگین درخشان مردم آفریقا و بلکه همه جهان است.

*مادیبا، نام قبیله‌ای ماندلا ست و نزدیکانش وی را به این نام صدا می‌کنند

احسان تقدسی
همشهری آنلاین